

# ● شریعتی و شبه روشنفکران غربزده

جلد ۲۱ / صفحه ۹۲

بود که بتواند در روشنفکران تولید کند و اگر سخنی از دهان مرعسی بر علیه درویشفکری و «غرب‌باوری» می‌آمد بطرفش هجوم می‌برد و در سرطاق‌ها، او را که پیرست منصب، جاهل، رشوه‌گیر و... بنامد.

شهید شیخ فضل‌الله نوری، پس از آنکه مشاهده کرد که مجلس شورای ملی اسلامی دارد، نظام غرب‌زدگی را در این جامعه تثبیت می‌کند و می‌کوشد به ارزشهای فرهنگ غربی، جنبه وقت‌نویس، بنهد، با شجاعت کامل در مقابل این توطئه عظیم ایستادگی کرد و در حضرت عبدالعظیم با عدای دیگر از علماء و طلاب روش‌نیز، تخصص‌گزید. شهید شیخ فضل‌الله که باید او را بزرگترین مقاومتگر در مقابل هجوم ویرانگرانه ارزشهای مه‌نام غربی بدانیم و بزرگترین افشاگر جاهلیت توطئه‌ها بر علیه ملت ایران، اعلامیه‌های زیبای برای روشن کردن افکار عامه مردم و افکار، منتشر کرد و در یکی از آن اعلامیه‌ها چنین می‌گوید:

«مجلس دارالتورای کنونی اسلامی است و به مسامی مشهوره، صحیح اسلام و تواب عامه استوار است، فاما تشوم برای خدمت و معاونت دولت شیهه‌انی خضروی و حفظ حقوق بیرون مذهب خضروی ناشیسی گزیده است. ممکن نیست که اکثر پارلمنت پاریس و انگلیس ایران متروک گردند و...»

و می‌بیند، پس از اینکه شهید شیخ فضل‌الله نوری، موضوع فاطمی و سارتن‌ناپذیر اسلامی خودی را اعلام می‌دارد، توسط شیروشنفکران تولیدشده غربی توسط پندگوهی استعمار جهانی، چه بررسی می‌رود... او را که پیرست، مزاحی، صفاخند، سفارقی و... معرفی می‌کند و این تیراندازی‌ها بدست چه کسی انجام می‌گیرد؟ همانطور که روش‌شاد شریعتی گفته است بدست درویشفکران! و باز می‌بیند که همین درویشفکران هستند، برای چوبه دارش، رفیق شادی سر می‌دهند و جام می‌می‌نوشند.

اگر، بطور دقیق و روشن بنگریم خواهیم دید که همین درویشفکران، از بزرگترین تحکیم‌کنندگان کودتای رضاعان هستند و بالاترین سهم را در برپایی و استحکام رژیم پهلوی به‌همه‌ده داشتند. تقریباً سبیل روشنفکران غرب‌باور در دوران مشروطیت و یکی از قاتلان شهید شیخ فضل‌الله، یکی از خادمتین افراد نظام شاهنشاهی پهلوی است. و همانست که در سال ۱۳۱۲ قمرزاده نسبت را با انگلستان به امضاء می‌رساند و باز می‌نگریم که یکی از نخستین مسائره‌های رشتن‌شده‌های دوران آردا به‌سوی

می‌باشد.

کابینت نگاه، به وزرای کابینه‌های گوناگون نوران ۲۰ ساله رضاعان و نوران ۲۷ ساله پسر معدومش بافتیم و بنام چه تپ اشخاصی سیمانه در غارت و چپاول و کشتار ملت خویش، شرکت داشت.

ما در اینجا به‌عنوان مثال، از شیروشنفکر و لیست‌های چون «دکتر عیسی صدیق» یکی از پایه‌گذاران دانشگاه و یکی از برنامهریزان فرهنگ استعماری دکتر کوتاهی می‌کنیم و مسخران وی را که در ملاقاتش با یکی از کارشناسان متخصص مسائل سیاسی بریتانیا داشته است می‌آوریم تا روشن گردند، بی‌تصعب، وطن و نهی گشتن از ارزشهای اسلامی و ملی و پذیرش ارزشهای غربی چگونه می‌تواند از نامی یک پوست کاشلأ مورد اعتماد و مورد پذیرش امپریالیسم غرب بسازد و چگونه در راه واسطارت ملت خویش، با تنگن و اجاب همگامی و همفکری می‌کند و چگونه از دولتت ستایش و قدرتی می‌نماید. ناگفته نماند وی یکی از آن اسامیدی است که افتخار گرفتن مدال و لقب «استاد ممتاز» را از شاه معوم بدست آورده بود.

«گزارش ملاقات دکتر عیسی صدیق با یکی از مسئولین وزارت خارجه بریتانیا در ۲۸ به ۱۹۴۷ (۷ خردادماه ۱۳۲۶) در لندن»

من امروز با آقای دکتر عیسی صدیق، متخصص امور



## ● انگلستان می‌کوشید تا «درویشفکر» بی‌«تصعب» و «غرب‌باور» پاریزورد.

## ● نفس‌زاده سبیل روشنفکران غرب‌باور دوران مشروطیت و یکی از قاتلان شیخ فضل... و یکی از خادمین نظام پهلوی است.

تربیتی، به‌صحت بیش از یک ساعت گفتگو کردیم. نوبت ملاقات ما بود. دکتر صدیق یکی از پیروان نامور پروفیسور ای. سی. براون و یکی از قدیمی‌ترین نویس ایرانی‌هاست. او در دوره‌های مختلف ریاست دانشگاه تهران، و وزارت فرهنگ را به‌همه‌ده داشته است. صدیق سخن را اینطور آغاز کرد... شکل فعلی اساس ایران که براساس رأی عمومی استوار است سلطان هیچ حقی در انحلال مجلس نمی‌باشد، در حال سنگ راه ایجاد لیات است... سپس دکتر صدیق در وزارت خارجه بریتانیا را درباره حق تعیین داخلی که به ضروری است پرسید.

«حق رأی عمومی کنونی باید با یک امتحان محدود گردد»

«با قانون اساسی به‌منظور تقویس حق انحلال در شاه ترمیم شود»

... دکتر صدیق تاکید کرد که بریتانیای کبیر از خود بزرگی در ایران برخوردار است و به‌عظیم او کشور او و خاورمیانه می‌تواند از حمایت ما (انگلیسی‌ها) بسیار بهره و...

آری، بی‌جهت نیست، این قبیل روشنفکران پس از کشتار پنج‌هزار نفری مردم مسلمان در ایماه ۱۹۰۴ شمسی در خراسان از رضاعان به‌عنوان یک قهرمان نام سردار علی ستایش می‌کند و حتی «کسروی» از کشتار که به دست رضاعان صورت پذیرفته بود ستایش می‌کند و...

و چه فریاد است این بی‌تصیبی و این بی‌دینی که در زیر گوشه‌های هموطن عزیز و مظلوم‌شان راه، فحیح‌ترین تجاوزات ممکن فرسار دهد و آن بعد روشنفکر و متحده برای این فحاح و مرتکب آن کف و عورا بگردد. اما خون سرخ همیشه نوبده اینها... فضل‌الله نوری و خون هزاران متصب مقاومتگر دیگر که راه جلوگیری از نفوذ استلا جنایتانه فرهنگ غربی، بول ریخته شد، از قام او تراوین گرفتند. و «تصعب» و «تصعب» و «تصعب» و دیگر «تصعب» مذهب که می‌رفت و پست روشنفکران غرب‌باور مدفون گردند، زنده گشت و گزاینه و حرکت‌های و اسان‌ساز و شخصیت‌پرور گردید. روایش

- ۱- طوق بگوران انگلیس خرابان، ص ۱۰۰
- ۲- لندن و لندن، ص ۲۳
- ۳- لندن و لندن، ص ۱۴
- ۴- روزنامه قانون، شماره اول ۱۳۱۷
- ۵- است و لندن، ص ۲۲
- ۶- روزنامه دهرالتین، ۱۳۲۵ شماره ۴
- ۷- همین جهت نام مجلس را «شورای ملی اسلامی» ذکر کرده اند تا نام اسلامی همین چه و بد بواسطه نویسندگی گوناگون اسلامی، را از آن جدا کردند.
- ۸- تاریخ شماره اول ص ۱۸۷
- ۹- فرایده بطور تفصیل را به‌روزنامه «روزنامه» و «روزنامه» می‌توانید

# انتشارات سروش منتشر کرده است



**توضیح**  
بعثت تراکم مطالب این هفته مجله، دنباله مقاله بحث آزاد، به شماره بعد موقوف می‌شود.  
**سروش**

مارکس و مارکسیسم

بقیه از صفحه ۸۱

از کوچه باغهای شهادت

بقیه از صفحه ۳

شخص او و شخصیت او شده بود. و از فراسوی این مرز بودند کسانی که مطابق حقوق ماهانه خود این حق را بر خود محفوظ می‌داشتند که هر حرکت جنبش آفرین اسلامی با دروغ و تزویر و تهدید و تحریف در نطفه خفه کنند.

شریعتی بیدار ایستاد. هشیار ایستاد. مردانه ایستاد ایستاده مرد.

اگر تنها خدمت شریعتی این باشد که بار دیگر روح اسلامی در حرکت ملتی کهن دمید و با این دمیدن شور و شور و تلاش و حرکت جنبش و نهضت در نهضت یکایکشان پدید آورد، این خدمت به‌تنهایی ایجاب می‌کند که ما به‌عنوان یک ملت سیاست‌گوی او باشیم در عین حالیکه مطابق وصایای مکررش سعی در اصلاح رهنمودهایش و رفع اشتباهاتش داشته باشیم.

شریعتی مکتب شهادت را با شهادتش و هویت زنی اسلامی را با «فاطمه فاطمه است» خود و روح سرور تشیع علوی را با تشیع علوی و تشیع صفوی از نو طرح کرد و این طرح نو توانست در پیدایش بنیادی نو در تاریخ سهم مؤثری داشته باشد.

ما سالگشت شهادت شریعتی را بتمام مسلمانان از ادیخواهان جهان تبریک و تسلیت گفته و تداوم انقلاب اسلامی را تا آغاز جهانی نهضت مهدی آرزو می‌کنیم. چنین باد

## گسترش فعالیت حوزه اندیشه و هنر اسلامی

واحد قصه‌نویسی حوزه اندیشه و هنر اسلامی در ارتباط با تعطیلات تابستان فعالیت‌های خود را در سطح مناطق مختلف تهران، مدارس، مساجد و واحدهای فرهنگی ارگانه‌های انقلابی گسترش می‌دهد.

علاقتمندان برای اطلاع بیشتر می‌توان با تلفن ۸۲۰۶۵۷ و یا آدرس:

تهران - خیابان حافظ - نیش سمیه مراجعه کرده و اطلاعات لازم را حاصل نمایند.

اسفار هم مطرح کردیم راجع به اینکه آیا حرکات افلاک به کمالی می‌رسد یا نمی‌رسد).

در حرکات اشتدادی، هر مرتبه‌ای نسبت به مرتبه قبل کمال است و نسبت به مرتبه بعد نقص، یعنی خود کمال هویت تدریجی دارد، اینها خیال کردند کمال یک مفهوم استاتیک است، کمال مثل وجود است «الوجود منه ثابت و منه سیال» کمال هم همین طور است، کمالی ما داریم تدریجی که هویتش تدریجی است، گاهی انسان حرکاتی می‌کند که فقط و فقط جنبه طریقی دارد و تا به هدف نرسد خود سیر و حرکت ارزشی ندارد مثل رفتن به جایی برای مقصد خاصی، ولی در حرکات تکاملی واقعی همیشه در راه است و همیشه هم در مقصد، نه اینکه در راه است و در مقصد نیست، اینکه او می‌گوید: همیشه انسان در راه است در واقع ضد مقصودش نتیجه می‌دهد برای اینکه اگر مقصدی در کار نیست پس تکامل نیست، پس شما که می‌گویید تکامل هست کمال نیست، باید تکامل را مسیر در درجات کمال تلقی بکنید، یعنی همیشه در مقصد دارد حرکت می‌کند ولی مرتبه‌ای مقصد است برای مرتبه‌ای و راه است برای مرتبه دیگری، پس این حرفی که اینجا می‌زنند: کمال سکون است حرف درستی نیست کمال منه ثابت و منه سیال، و هر تکاملی حرکت در کمال است، البته یک مناقشات دیگری هم روی حسابهای ما باز هست اینکه می‌گوید حرکت یک مفهوم دینامیک است، درست نیست مرحوم اخوند می‌گوید، حرکت را نباید دینامیک دانست، متحرک امر دینامیک است، در جایی که متحرک و حرکت یک چیز است مثل حرکت جوهری، می‌توانیم بگوییم حرکت دینامیک است آنهم باعتبار متحرک، دینامیک یعنی چیزی که خود متحرک است، حرکت که خود متحرک نیست.

**ادامه دارد**

۱- در چندین سال قبل خلیل ملکی که از کمونیستهای پرو یا قرص بود و بعد انشعاب کرد و نیروی سوم را بوجود آورد، و از اوضاع کشورهای کمونیستی هم خوب اطلاع داشت، کتابی نوشت بنام سرمایه‌داری دولتی یا کاپیتالیسم دولتی، و همین مطلب را ثابت کرد که آنها عملاً رسیده‌اند به سرمایه‌داری، البته او نمی‌خواست بگوید سرمایه‌داری سرنوشت انسان است، بلکه می‌خواست بگوید اینها سوسیالیست واقعی نیستند، دروغ می‌گویند.

۲- سؤال خیلی یرت و بی‌معنایی است (کمونیسم و اخلاق!!!) ولی چون در جواب همین سؤال بی‌ارزش مطالب مفیدی بیان شد، سؤال، «توصلاً الی الجواب» منعکس شد.

**هفته گذشته همکاران آقای علی خسروی برادر خود را از دست داد. مصیبت وارده را به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می‌گوئیم.**

**کارکنان انتشارات سروش**



خارج جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفتگو کرد.

● آیت‌الله محمد بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرد.

● امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت وقوع زلزله در کرمان پیامی فرستادند.

● امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی حکمی خطاب به حجت‌الاسلام صدوقی ایشان را مأمور تعیین هیئتی جهت رسیدگی به وضع زلزله‌زدگان استان کرمان کردند.

● محمدعلی رجایی نخست‌وزیر به منظور رسیدگی به وضع آسیب‌دیدگان زلزله گلباف وارد کرمان شد.

● رئیس جمهور پاکستان طی تلگرامی به رئیس جمهور ایران تأسف عمیق خود را از حادثه زلزله کرمان اعلام کرد.

● نماز وحدت‌بخش و دشمن‌شکن جمعه با شکوه تمام و با شرکت انبوه مردم مسلمان و انقلابی تهران در دانشگاه تهران به امامت حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای اقامه شد.

● سفیر فلسطین در جمهوری اسلامی ایران با آقای محمد هاشمی معاون و مشاور سیاسی نخست‌وزیر ملاقات کرد.

● با حضور نخست‌وزیر اولین سمینار بررسی نظام شورایی در جمهوری اسلامی گشایش یافت.

● هیئت دولت به ریاست محمدعلی رجایی نخست‌وزیر تشکیل جلسه داد.

● اجلاس مشترک مقامات وزارت امور خارجه با سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس آغاز بکار کرد.

● کمیسیون موقت مطبوعات با انتشار مجدد نشریه نبرد ملت موافقت کرد.

بقیه از صفحه ۹

طلاق در آمریکا در ظرف ۲۰ سال را سه برابر اعلام کرد.

● ارتش جمهوریخواه ایرلند بار دیگر حمایت همه جانبه خود را از جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار داد.

● کلیه اعضای هیئت منصفه دادگاه رسیدگی به اختلافهای ایران و آمریکا تعیین شدند.

● شورای امنیت در مورد حمله صهیونیستها به بغداد تشکیل جلسه داد.

● فیلیپ حبیب فرستاده ریاست جمهوری آمریکا با نخست‌وزیر لبنان ملاقات کرد.

● يك دیپلمات سوری به ضرب خنجر در مسکو بقتل رسید.

● یکی از کارمندان کنسولگری ترکیه در خیابانهای ژنو بدست يك ارمنی به قتل رسید.

● ۱۷۰۰ نفر در رابطه با شورش‌های اخیر ایالت کاسائو یوگسلاوی دستگیر شدند.

● دو ناراضی در شوروی دستگیر شدند.

● يك گروه از جوانان یوگسلاوی مسلمانانی را که در مسجدی در حال عبادت بودند مورد حمله قرار دادند.

● سفیر سابق آمریکا در عربستان اعلام کرد: عربستان سعودی سالانه ۲۰ میلیارد دلار جهت پایین نگهداشتن قیمت نفت ضرر می‌دهد.

● وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد تحریم رژیم صهیونیستی در شورای امنیت یا توی این کشور روبرو خواهد شد.

● دفتر هواپیمایی ترکیه در پاریس توسط عده‌ای از ارامنه اشغال شد.

● هشت چریک ایرلندی بطور دسته‌جمعی از زندان فرار کردند.

● رادیو واتیکان اعلام کرد که طی ۱۹ ماه گذشته بیش از ۱۸۸۰۰ نفر توسط نیروهای امنیتی در السالوادور بقتل رسیده‌اند.

● الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا عازم پکن شد.

● به سبب اعتراض گروه‌ها و مردم انگلستان لایحه کنترل نشریات ضد اخلاقی به پارلمان انگلستان تسلیم شد.

● وزارت دارایی آمریکا محدودیت دارایی‌های بازمانده ایران را تا تاریخ نامشخصی تجدید کرد.

● دفتر حفاظت منابع جمهوری اسلامی ایران در آمریکا در رابطه با حادثه ناگوار کرمان بیانه‌ای صادر کرد.

● سازمان «امداد مردمی فرانسه» آمادگی خود را در مورد کمک به قربانیان حادثه زلزله کرمان اعلام کرد.

● سفیر رژیم اشغالگر قدس در واشنگتن با ریگان رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرد.

● هیئت رئیسه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی خواستار اخراج رژیم اشغالگر قدس از آن سازمان شد.

● دانشجویمان عرب در نیویورک و پاریس تظاهراتی بر علیه رژیم اشغالگر قدس برپا کردند.

● کشورهای ثروتمند غرب قول کمک ۱۱۰ میلیون دلاری برای مراقبت از پناهندگان افغانی به پاکستان دادند.

# ● شریعتی، امامت اجتهاد و روحانیت متعهد

بقیه از صفحه ۲۶

بیکار فکری و جدل دارد و نشان داده است که هر مورد حمایت قدرتها قرار گرفته به انحطاط رفته مرده و هرگاه مورد حمله واقع شده جان گرفتار حالت تهاجم. هر وقت روشنفکران نوبالغ جامعه عقب‌مانده و کم فرهنگ را در کشورهایی چون می‌دیدیم که با خواندن چند جزوه سرودست شکست تبلیقاتی، در مغز تهی از همه چیزشان، احساس تکامل و کشف همه چیز می‌کنند و دچار وسوسه مارکیستی و احساس عقده روحی و خود هیچ بی در برابر آن می‌کنند، رنج می‌بردم که آیا اینها آزاد انسان را دست کم می‌گیرند؟ ارزشهای خدائی نمی‌توانند احساس کنند، نمی‌دانند که عزیزتر انسانهای تاریخ چه شکنجه‌ها دیده و چه قربانی برای آن داده‌اند و...

(مجموعه آثار دکتر شریعتی ۲ -)

● لیبرالیسم پوششی جذاب تادر پشت آن عدالت را خفه کنند، مارکیسیسم، درگاه هیجان‌انگیزی تا درون آن انسان را از برون به بند کشند و از درون بمیرانند، دین ضریح مقدسی با پوشش سبزه آزادی و عدل را در آن بخاک سپارند.

اگر به نجف می‌رفتی، دلت دیگر نه جایی برای نفرت از بهره‌کشی داشت و نه دغدغه‌ای برای آزادی.

(مجموعه آثار دکتر شریعتی ۲ -)

● اکنون، بعنوان يك نسخه تاکتیکی و تجربی مطلبی را عرض می‌کنم که برای یکی از بچه‌هاییک از وابستگان من بود، در خدمت آقای خامنه‌ای عرض می‌کردم و ایشان هم پسندیدند. این بچه سالهای ۵۳ - ۵۲ به پانزده، شانزده سالگی رسید بود، و می‌دانیم که سالهای ۵۴ - ۵۳ سالهای خیل خاصی است. سال ضربه خوردن، سال خیانت دیدن، سال بدترین جراحت‌ها را تحمل کردن و سال خیلی سالها و حرف‌هاست دوره این وسوسه است که اسلام نارساست و اسلام با واقعیت‌های جدید



(خودسازی انقلابی)

● الان در تشیع اینطور است که هر کس که ملا را می‌پسندد به سراغش می‌رود و قبولش می‌کند و حرفش را گوش می‌دهد، با توجه به شعورش، تقوایش و ارزشش او را انتخاب می‌کند و تقویش می‌کند. حتی اگر دستگاهها کسی را به اوج افلاک هم برسانند و تاجی از ملائکه هم سرش بگذارند، بکنفر اگر جهت وجود داشته باشد، نه تنها تخصص، نه تنها همه آن معارف اسلامی، حتی خرافاتی که در اسلام آورده‌اند، حتی روایات جعلی‌ای که در اسلام هست، حتی همین زنجیرزنی و سینه‌زنی هم بدر می‌خورد، بدر می‌خورد.

(خودسازی انقلابی ۳۸)

● از يك طرف روشنفکر نیاید بجای مردم، سرنوشت رهبری يك نهضت انقلابی را در دست بگیرد زیرا یا نهضت رابه شکست می‌کشد یا به انحراف. و از طرف دیگر در جامعه‌ای که جهل یعنی بیسوادی فرهنگی و ناآگاهی اجتماعی عمومیت تام دارد، از آن رو که تنها روشنفکر است که از فرهنگ و آگاهی نسبی برخوردار است و تنها اوست که می‌بیند و می‌شناسد، مسئولیت سنگین و همه‌جانبه‌ای را بر عهده دارد چه، در جامعه کور، روشنفکر دیگر راه بلد نیست متخصص تنها نیست، عصاکش جامعه خویش است.

(مجموعه آثار ۲ - ۱)

● باور نمی‌کنید اگر بگویم يك تحمیل‌کرده امروز دانشگاه در ایران، براحتی می‌تواند بهترین و بیشترین آثار و تحقیقات را از بته‌وون یا نین بدست آرد و بخواند و با دقت علمی و منطقی و مستقیم این دو را کامل و مطمئن بشناسد و اگر بخواهد ابوعلی و ملاصدرا را که مشهورترین و رایجترین و محبوبترین متفکران فلسفی و دینی آیند مطالعه کند چیزی گیرش نمی‌آید و چه می‌گویم؟ حتی علی و حسین را!

(مجموعه آثار ۲ - ۱)

● مارکسیسم در این منطقه با اسلام به این عنوان مخالف است که نیروی برخاسته‌ای است که جا را بر او تنگ می‌کند و بعنوان يك فکر طردش می‌نماید. و استعمار با اسلام بعنوان نیروی درگیر است که دارای حرکت انقلابی است و او را به عنوان يك قدرت نفی می‌کند.

(خودسازی انقلابی)

## اگر دکتر شریعتی زنده بود می‌توانست بهترین یاور و.....

بقیه از صفحه ۴۹

این برخورد هیچگاه به مثابه نفی مرحوم دکتر نیست چون مرحوم دکتر برداشتی داشته که خوب این برداشت می‌توانسته از نظر سلیقه‌ای اختلاف داشته باشد با برداشتهایی که شخصیت دیگری داشته. و دلیل بر سلامت محیط ماست که آزادانه اختلافات را با هم مطرح کنند. و کسانی هستند که این اختلافات را و این برخوردهای فکری بعضی از شخصیت‌های روحانی را با مرحوم دکتر دلیل بر مخالفت و کینه و عناد و دشمنی آن شخصیتها با دکتر می‌دانستند که این کاملاً اشتباه است.

در حد يك فرد زحمت کشیده و نقش داشته در بسیج و آگاهی جامعه در همان حد باید تقدیر بشود حال هر کس که می‌خواهد باشد.

بنظر من در میان این شخصیتها پیشگامتر از همه و پرشورتر از همه مرحوم دکتر بود و نقش ارزنده‌ای در آگاه کردن و جهت دادن نسل جوان داشت و منجمله از آن جوانان، طلاب جوان حوزه‌ها هستند که یقیناً قدردان و حق شناس هستند نسبت به مرحوم دکتر.

س- دکتر شریعتی در یکی از آثارش متذکر شده که افتخار می‌کنم که مقلد خمینی باشم من غیر از ایشان چه کسی را می‌توانم بعنوان مرجع بپذیرم با توجه به شناختی که شما نسبت به ایشان دارید فکر می‌کنید که دکتر شریعتی چه احساسی نسبت به امام داشتند با توجه به همین اثری که از ایشان مانده؟

ج- روشن است که دکتر شریعتی یکی از شیفتگان و مخلصین امام بود. و با شناختی که ما از مخالفین دکتر داشتیم می‌دانیم که مخالفین دکتر عمدتاً دقیقاً مخالفین خود امام بودند، البته نمی‌خواهم کسانی را که اختلاف آکادمیک با دکتر داشتند را بگویم کسانی را می‌گویم که بلوا پیا می‌کردند کسانی که ماجراجو بودند و آنها عمدتاً کسانی بودند که بامرچوم دکتر طوری برخورد می‌کردند که با خود امام هم همان برخورد را داشتند و دکتر، باید گفت، در رنج کشیدن از دشمنانش با امام در يك موضع بود و مخالفین

مشترکی داشتند. طبیعتاً دوستان مشترکی هم داشتند و اینجا می‌ماند رابطه شخصی که خود دکتر با امام می‌توانسته داشته باشد که آیا این رابطه چه بوده؟ صرفنظر از اظهاراتی که دکتر در مناسبت‌هایی یا در برنامه‌هایی داشتند که نمونه‌اش را شما اشاره فرمودید - من افتخار می‌کنم که مقلد امام هستم. .... این ظاهراً در موقعی بوده که ایشان شنیده که یکی از آخوندها روی منبر گفته در انحراف شریعتی همین بس که مقلد خمینی است. در اینجا وقتی که دکتر می‌گوید من افتخار می‌کنم که مقلد خمینی هستم یعنی می‌گوید این بهترین تشویق و تبلیغ از من است و این افتخاری است که به من می‌دهند.

موقعی که دکتر به خارج آمده بود در رابطه با اتحادیه انجمنهای اسلامی ما معروف بود که در تلاش بود با امام ارتباط مستقیم داشته باشد. پیغام هم داده بود. یکی از افرادی که از اروپا به نجف آمده بود از طرف دکتر پیامی برای امام آورده بودند ولی پاسخ پیغام وقتی رسید که دکتر شهید شده بود.

دکتر در صدد بود در نشستی که با امام دارد دقیقاً خط فکری آینده خودش را و خط تبلیغی آینده خودش را بعنوان يك سرباز - این تعبیر خود دکتر است - در هر جبهه‌ای که امام بگوید بایستد و انجام بدهد.

س- شما چه نقش و تمهیدی در مقابل انقلاب و جمهوری اسلامی و توطئه‌های روزافزون ابرقدرتها علیه آن برای دوستداران شریعتی قائل هستید؟

ج- علاقمند صدیق و صمیمی مرحوم دکتر کسی است که دقیقاً خط او و راه او را برود. تصور کند اگر مرحوم دکتر الان حیات می‌داشت چه می‌کرد و در چه موضعی بود. دوستدار صمیمی و صدیق دکتر کسی است که صادقانه بیاید این تصور را بکند. و بعد از این تصور در موضعی باشد که اگر دکتر می‌بود الان در آن موضع باشد یکی از جالبترین تحقیقات و بررسی‌هایی که مرحوم دکتر داشت بازگو کردن جریانات بعد از پیغمبر است بخصوص دوران حضرت امیر (ع) و ما در شرایط کنونی دقیقاً داریم مسائلی را می‌بینیم که بر سر حضرت امیر گذشت. یعنی کسانی و افرادی جلوی امام (ع) ایستادند کسانی با امام سرسبز دارند یا با یاران امام درگیر هستند که شاید سه‌سال یا چهار سال قبل کسی باور نمی‌کرد که اینها يك روزی به این موضع و وضعیت دچار شوند. نسبت به امام در شرایط کنونی همان غربت همان مشکلاتی را داریم حس می‌کنیم که زمان حضرت امیر بود و دکتر در آن ناکتین و قناسطین و مارقین خوددتر دقیقاً این مسئله را شکافته است و یقیناً اگر حیات می‌داشت با آن درک و با آن بینشی که او از اسلام و مسائل تاریخ جامعه‌شناسی اسلام داشت می‌توانست بهترین یاور بهترین بازوی امام باشد و بهترین افشاگر مخالفین دشمنان امام باشد. و بعقیده من بهترین پیرو دکتر و بهترین معتقد به دکتر کسی است که الان همین نقش را داشته باشد و در همین موضعی باشد که اگر دکتر هم بود در آن موضع بود.



# ● شریعتی اسلام را «انتخاب» کرد

بقیه از صفحه ۴۱

باشم. و برای خودش افتخار می‌دانست که پیرو و مقلد امام خمینی باشد. بنابراین به هیچ وجه نمی‌توانیم به دکتر شریعتی این تهمت را بزنیم که او با روحانیت مخالف است. با اسلام و تشیع مخالف است. با چه نوع روحانیت - اسلام - تشیع مخالف است. بلکه او با اسلام و تشیع و روحانیت که کور کورانه عمل بکنند و تقلید بکنند مخالف هست. ولی با اسلام و تشیع با علی که براساس شناخت و علم و آگاهانه باشد هیچ مخالف نیست و آثارش بهترین گویای این مطلب است.

س: به نظر شما دکتر شریعتی متعلق به چه نسل و به چه قشری است؟ آیا این نظر درست است که بعضی از شخصیت‌های اجتماعی را انحصاراً در یک محدوده خاص قابل طرح می‌دانند؟

ج: دکتر شریعتی را نمی‌توانیم به یک گروه معینی متصل بکنیم. آنجایی که از ناس صحبت می‌کند و معتقد بود که این یکی از شاخصه‌های اسلام است و شاخصه‌های اسلام را به‌عنوان یک دین انقلابی معرفی می‌کند. پیشنهاد می‌کند که مکاتب و ادیان مختلف و عوامل مختلفی را برای انقلاب پیشنهاد می‌کند. بعضی از گروه‌ها شخصیت‌های تاریخی، عوامل و شرایط اقتصادی و چیزهای مختلف دیگری را پیشنهاد می‌کند و او می‌گوید شاخصه اسلام اینست که در اسلام ناس و مردم و عامه عامل و موتور انقلاب هستند. بنابراین او وفاداریش نسبت به عامه و ناس بود هدفش هم عامه و ناس بود یعنی تمام مردم. اگر با طبقه انتلکچوال صحبت می‌کرد نه بخاطر این بود که فقط متعلق به طبقه انتلکچوال است بلکه او می‌خواست طبقه انتلکچوال را که دارای یک مسئولیت وسیعی هستند مجهز بکند تا بتواند یک طبقه انتلکچوال مسلمان باریابورد که آن طبقه انتلکچوال مسلمان دیگر قشرهای جامه تمام ناس و مردم را روشن بکند. هدف و تمهد اصلی او نسبت به تمام گروه‌ها بود نه نسبت به گروه خاصی. هیچ گروهی نمی‌تواند دکتر شریعتی را منحصر به خودش بکند و خودش را به او متصل بکند و از این طریق بهره‌برداری بکند و سوءاستفاده بکند. دکتر شریعتی کسی است که بطور کلی بعضی از افراد اینها متعلق به یک گروه یا یک طبقه نیستند همینطور فرض بفرمائید امام خمینی متعلق به ایران نیست حتی متعلق به امت مسلمان هم نیست بلکه متعلق به تمام جهان است. در درجه اول متعلق به ملت ایران به‌عنوان بخشی از امت اسلامی و در درجه دوم به امت اسلامی به‌عنوان وحدت اسلام و در درجه سوم به تمام جهان بخاطر اینکه در متن اسلام دفاع از تمام مستضعفین است و چون امام خمینی رهبری انقلاب اسلام را به‌عنوان یک مکتب اسلام پیشنهاد می‌کند بنابراین او متعلق به یک گروه یا دسته خاص نمی‌تواند باشد همانطوری که اسلام اینطور نیست که بگوئیم اسلام متعلق به ایران یا جهان عرب است اسلام متعلق به تمام جهان است. بعضی چیزها متعلق به یک گروه نمی‌تواند شود بهمین دلیل است که آن حدیث می‌گوید اذا ما العالم تقوب فی الاسلام صوب، وقتی یک عالمی فوت می‌کند و شهید می‌شود در کل اسلام یک رختخالی بوجود می‌آید که هیچ کس جاییش را نمی‌تواند بگیرد این می‌خواهد نشان بدهد که متعلق به کل اسلام

است. دکتر شریعتی به‌عنوان یک شخص که واجد شرایط فراوان برای آگاه کردن کل امت اسلامی دارد هر چه این آگاه کردن را از ایران شروع کرد و با یک گروه خاص صحبت کرد و لی درحقیقت به‌عنوان یک عالم و اندیش‌ناهنه متمهد متعلق به تمام ملت ایران و امت اسلامی است و به همین دلیل من پیشنهاد می‌کنم با ترجمه آثار به‌عنوان یک رهبر انقلاب به دیگر بخشهای جهان برسد گروه‌ها باید بدانند که این انحصارگریشان که بخیر سوءبهربرداری بکنند نه خودش اجازه داده و خودش اجازه می‌داد. بعضی افراد هستند که متأسفانه پیش انقلاب ازین رفتند آنها اگر می‌ماندند بعد از پیروزی انقلاب خیلی بیشتر می‌توانستند مؤثر باشند. دکتر شریعتی تقابلاً پیش‌بینی می‌کرد انقلاب را ملحم شده بود به انقباض و آثارش مثل نثار که نوشته و انقلاب را که بررسی می‌کرد پیش‌بینی می‌کند که انقلاب بوجود می‌آید و بخاطر مشکلا و محدودیت‌هایی که داشت مجبور بود در آن چهارچوب محدودیت‌هایی که برایش بوجود آمده بود معرفی بکند در صورتی که دکتر شریعتی توانست با وجود آن همه شرایط و محدودیت‌هایی که برایش بوجود آمده بود اینطور خوب معرفی بکند الان اگر بود با این آزادی که هست و نبودن محدودیت‌های رژیم سابق می‌توانست فکر بکند و خد بکند. خیلی می‌توانست کار انجام بدهد. در اینجا باید عرض بکنم که جای بعضی از افراد بعد از انقلاب کاملاً خالی است مثل مرحوم طالقانی که بیش از نصف عمرش را در زندان تمام عمرش را در مبارزه گذراند این فرد اگر بعد از انقلاب آن عمر کم را نداشت معلوم می‌شد چه آثاری می‌توانست داشته باشد. مرحوم مطهری که بلافاصله بعد از انقلاب شهید شد در پیش از انقلاب با آن همه محدودیت‌ها زجردهنده توانست اسلام را به این خوبی معرفی بکند و آن اندازه خدمت بکند به اسلام اگر زنده بود و در این آزادی که پیش آمده بود خیلی بهتر می‌توانست خدمت بکند. دکتر شریعتی هم یکی از این افرادی است که در آن شرایط توانست اینطور اسلام را معرفی بکند اگر حالا که اینقدر آزادی هست اگر دکتر شریعتی زنده بود خیلی می‌توانست به انقلاب خدمت بکند و به تداوم انقلاب کمک بکند و دیگر در خلا صحبت نکند چون آن موقع پیش‌بینی انقلاب را می‌کرد و حالا با عمل به اینکه بعد از ۱۴۰۰ سال مجدداً تجدید حیات بکند و یوئائی خودش را بوجود بیاورد می‌توانست آن نظریات عمیق خود مخصوصاً در زمینه تاریخ اسلام می‌توانست خیلی مفید باشد برای انقلاب.

س: در مجموع شما چه برآوردی از آثار و خط مبارزاتی دکتر دارید.

س: نظر دکتر درباره امام و رهبری او چه بود.  
س: فکر می‌کنید اگر امروز دکتر زنده بود چه نقشی را در جامعه به‌عهده می‌گرفت.

ج: جواب هر سه سؤال را مختصراً در بین چند سؤال بالا دادم امینوارم در جلسه آینده به تفصیل بتوانم به این سؤالات و سؤالات دیگر جواب کافی بدهم.